

سفر نامۀ سند کراچی تا شهر خاموشان

قلمروی از تاریخ زبان و فرهنگ فارسی

دکتر قاسم صافی

دانشیار دانشگاه تهران

۱۳۸۵



انتشارات دانشگاه تهران

شماره ۲۷۶۸

شماره مسلسل ۵۲۹۸

صافی، قاسم، ۱۳۲۷-
سفرنامه سند (کراچی تا شهر خاموشان) قلمروی از تاریخ زبان و فرهنگ فارسی / قاسم
صافی - تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ، ۱۳۸۵.
۱۶۶ ص - (انتشارات دانشگاه تهران: شماره ۲۷۶۸).
ISBN 964-03-5298-5 ۱۶۵۰۰ ریال

فهرستوبسی براساس اطلاعات فیبا.
ص.ع. به انگلیسی:
A journey to Sind Karachi to
Necropolis. (Tha TTA)

کتابنامه: [۱۶۵] - ۱۶۶: همچنین به صورت زیرنویس.
۱. صافی، قاسم، ۱۳۲۷ - - سفرها - - پاکستان. ۲. پاکستان - - سیروساحت.
۳. سفرنامه‌ها. الف. دانشگاه تهران. مؤسسه انتشارات و چاپ. ب. عنوان.
۱۳۸۵ ۹۱۵/۴۹۱۰۲۵۳ DS ۳۷۷ ص ۲ / ص ۷۳
م ۸۵-۱۰۸۴۶ کتابخانه ملی ایران

شابک ISBN 964-03-5298-5 ۹۶۴-۰۳-۵۲۹۸-۵

عنوان: سفرنامه سند «کراچی تا شهر خاموشان»

تألیف: دکتر قاسم صافی

ناشر: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

تاریخ انتشار: ۱۳۸۵ (چاپ اول)

چاپ و صحافی: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران

مسئولیت صحت مطالب کتاب با مؤلف است.

«کلیه حقوق برای دانشگاه تهران محفوظ است»

بها: ۱۶۵۰۰ ریال

پست الکترونیک: Press@ut.ac.ir - آدرس سایت: Press.ut.ac.ir

فهرست مطالب

مقدمه	۵
وجه تسمیه و موقعیت جغرافیایی سند	۱۱
نامگذاری و معنی لفظ "سند"	۱۱
تحلیل و بررسی واژه هند و هندوستان	۱۲
اشتباهات درباره لفظ سند و هند	۱۴
ساکنان اصلی سرزمین سند قدیم	۱۵
آغاز تمدن قدیم	۱۷
مرکز تمدن قدیم	۱۸
اوضاع و احوال گذشته قوم آریا و ورود آن به سند	۲۰
دوره باستانی زبان یا زبانهای سند	۲۲
سند پس از اسلام و در عصر حاضر	۲۵
جمعیت شهرهای مهم سند	۳۰
به سوی سرزمین سند	۳۱
دیدار از کراچی	۳۱
مسجد جامع طوبی:	۳۵
آرامگاه محمد علی جناح:	۳۶
زیارتگاهها:	۳۷
عبدالله شاه غازی:	۴۱
به سوی حیدرآباد و نواحی آن	۴۳
ورود به حیدرآباد:	۴۶
مناطق تاریخی:	۵۰
قدمگاه:	۵۵
حضرت شاه محمد مکی:	۵۷
مدارس دینی:	۵۹
محفل حسینی:	۶۲
فرقه اسماعیلی:	۶۸
دانشگاه اسرا:	۷۹

۸۱	 سنڌي لينگوئيج اتهارتي:
۸۳	 سنڌي ادبي بورڊ:
۸۴	 سنڌ ٽڪسٽ بڪ بورڊ:
۸۴	 موزہ حيدرآباد:
۸۵	 وضعيت عمومي و اجتماعي
۸۹	 موقعيت زنان:
۹۳	 رسم «ڪارو ڪاري»:
۹۵	 سادات:
۹۶	 مراسم جشن و شادي:
۹۸	 مراسم عزاداري و محافل ميلاد:
۹۹	 ماه شعبان:
۱۰۰	 ماه رمضان:
۱۰۲	 ماه محرم:
۱۰۵	 محافل ميلاد:
۱۰۶	 هولي:
۱۰۹	 ميرپورخاص و بدين:
۱۱۹	 بهت شاه:
۱۲۴	 هاله:
۱۲۸	 راني پور، درازہ شريف:
۱۳۰	 سنڪر:
۱۳۴	 موهنجودرو:
۱۳۵	 سهون شريف:
۱۴۵	 به سوي شهر خاموشان:
۱۴۶	 داستان نوري و جام تماچي:
۱۴۸	 داستان عمر و ماروي:
۱۵۰	 مومل و رانو:
۱۵۳	 ٽٽه:
۱۵۴	 مسجد جامع شاهجهاني:
۱۵۶	 شهر خاموشان:
۱۶۵	 منابع

مقدمه

سپاس فراوان ذات باری تعالی را سزااست که نعمت خویش به نگارنده عسلاً فرمود و توفیق مطالعه و تحقیق این تتبع، ارزانی داشت. اغلب سفرنامه نویسیها، وقتی از کشوری گزارش می دهند حتی خیلی از جاها را که به صورت گذری دیدار کرده اند با دو چهره مواجه شده اند؛ یکی سیمای ظاهری کشورها با ساختمانهای رفیع، مراکز تفریحی، مراکز هنری بزرگ و کتابخانه های عظیم؛ و دیگری که مهمتر هست زندگی و رفت و آمد و تعامل با مردم کشورهاست. تعدادی از سفرنامه نویسان کوشیده اند از پس زیباییهای ظاهری، مشکلات را هم ببینند و برای فهم محیطی که به آن گذر کرده اند، با چشم باز و دیدی عمیق چیزهایی را ببینند و گزارش دهند که دیگران نیز بدان توجه کنند. نگارنده را ذوق شخصی و شاید پاسخ به میل نوشتن بوده که بیشتر آنچه را در سفرهای علمی و فرهنگی دیده یا شنیده است بخصوص در باب مناطقی که بجز نوشته هایی پراکنده، منبع مستقلی وجود ندارد به رشته تحریر در آورد و ارمغان سفر را به شکل یادداشتهایی مدون در یک مجموعه گنجانده تقدیم خوانندگان گرامی کند تا دیگران هم با بهره های معنوی که او بر گرفته شریک گردند. آنچه که در پی می آید رد آورد سفری است اتفاقی به سرزمین سند؛ و یادداشتهایی است از دیاری که از دیرباز، ارتباطات دیرینه ای با ایران داشته و پیوندهای فرهنگی متعددی بین آنان پدید آمده است. در این سفر که به سختی آغاز و انجام گرفته، شهرها و نواحی بسیاری را دیده ام؛ از آثار و مقابر و بارگاههای مورد قداست مردم بازدید کرده ام؛ با

چند تن از بزرگان دانش و هنر دیدار کرده و برخی از استادان دانشگاهها، محققان و پژوهشگران نیز با من ملاقات کرده‌اند. همچنین از کتابخانه‌ها، مؤسسات پژوهشی و دانشگاهها بازدید کرده، و فهرستی از بعضی نسخ خطی فارسی تهیه نموده‌ام؛ در مجامع علمی شرکت کرده، در پارهای موارد به سخنرانی پرداخته‌ام و بالاخره طی این سفر، به مسائل تاریخی و فرهنگی بیشتر توجه کرده، برخی حرکت‌های علمی و فرهنگی و چگونگی سرزمین و وضعیت زندگی و موقعیت شهری و آیینها، رسوم اجتماعی، روش حکومت و مسائلی از این دست از شنیده‌ها و خواننده‌ها را مورد بررسی قرار داده‌ام، که اجمالی از آن را تا آنجا که امکانات اجازه می‌دهد در این کتاب آورده‌ام.

سیاحان و کسانی که در زمینه تعلیم و تربیت تخصص دارند می‌دانند کنجکاوئی از ویژگیهای بارز آدمی است و سفر بهترین زمینه برای محک زدن خویش و شناخت ملت‌هاست و وسیله‌ای است که کنجکاوئی افراد را بسیار تحریک می‌کند. در سیر و سفر و حضر، و اساساً طی زندگی که بر من گذشته، گاهی بسیاری از عبارات و گفتار حکیمان و بزرگان در ذهنم تداعی شده و در برابرم خودنمایی کرده است و همچون آینه عبرت مرا به تأمل و تفکر در خود و عاقبت اندیشی واداشته، به گوشه خلوت و مذاکره با خود رانده است و بسیاری از وقتها در نتیجه مشاهدات و تأملات در مسیر مدارا کردن با خود و آرام کردن خویش سوق داده است. از آرزوها و شاید بهترین آرزویم این بوده که از هر نوع زندان طبیعت، زندان تاریخ، زندان جامعه، زندان خویشتن خویش و خلاصه از هر قید و بندی که مانع برهنگی حقیقت و شکفتگی و باروری اندیشه است آزاد و رها باشم حتی از اسارت نوشتن، که خواندن و کم‌گویی را بر آن ترجیح می‌دهم، لکن بریدن از خوی و عادت و رهانیدن روح از قفس تن و تمنیات، کار آسانی نیست و مجاهده و جهاد لازم دارد. عبارات دل‌انگیز و روح‌پروری که در گفتار یا خامه ارباب دانش و آگاهی نقل شده و

ملاحظه آن، دل و دماغ هر آدم دردمند و مستعد را متأثر می‌کند بسیار است. من به چند نمونه از آن اشاره می‌کنم که در سفر و زندگی من اثرگذار بوده است: پرندهای که مرده می‌نمود به من پند داد که پرواز را به خاطر بسیار (فروغ) این نیز بگذرد (مینوی)؛ یک دم شیرینی به از صد سال میش (اقبال)؛ هی فلانی زندگی شاید همین باشد؛ تو سیاه کم بها بین که چه در دماغ دارد؛ در شهر کوتوله‌ها باید دولا دولا راه رفت؛ کل من علیها فان؛ یوم تُبَلَى السرائر (روزی که پنهانها آشکار می‌شود)؛ دست و دل و دیده را نگه باید داشت؛ بی‌نیاز شو از همه چیز و از همه کس و برای دیگران همچو خورشید بتاب؛ آنچه می‌گویم به قدر فهم توست مُردم اندر حسرت فهم درست. خذوا ظروف الکلام و اتزکوا فضول الکلام (از فضولات کلام بگذر و اصل کلام را بگیر).

به هر روی بنابر آنچه گفته شد در پژوهش حاضر، مشخصات کلی و تاریخچه مختصری از سرزمین سند آورده می‌شود و سپس وضعیت فعلی فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و دینی این منطقه و کیفیت فضای شهرها و مظاهر زندگی، تشریح می‌گردد. در این رابطه لازم می‌دانم نکاتی را برای خوانندگان محترم تذکار دهم:

جمعیت پاکستان آمیزه‌ای از گروه‌های قومی و نژادی مختلف است که به لحاظ داشتن دین مشترک (اسلام) گردهم آمده و کشور پاکستان را تشکیل داده‌اند. چهار گروه عمده نژادی: پنجابی‌ها، سندی‌ها، پتان‌ها (پشتون‌ها) و بلوچ‌ها با حرفه، لباس، زبان و نیز مرزهای جغرافیای مشخص به ترتیب در چهار ایالت پنجاب، سند، مرز شمال غرب، و بلوچستان این کشور زندگی می‌کنند.

چون مسلمانان نخستین بار از طریق سند به شبه قاره راه یافتند، سند را باب‌الاسلام نام داده‌اند. این ایالت ۱۴۰/۹۱۳ کیلومتر مربع مساحت و بنابر سرشماری سال ۱۹۸۳، ۲۰/۲۱۲/۰۰۰ نفر جمعیت داشت و تخمین زده شده

بود که در سال ۲۰۰۵ به بیش از ۳۰ میلیون نفر برسد. در شمال این ایالت، استان پنجاب و در غرب آن بلوچستان و در شرق، کشور هند قرار دارد. در جنوب غربی، ۱۵ کیلومتر ساحل آن به دریای عمان متصل است. مردم سند عموماً آرام و علاقه‌مند به دین و خاندان پیامبرند و به سنتهای خود پای‌بند می‌باشند. سند از لحاظ موقعیت صنعتی و تجاری و وجود کارگاههای صنعتی و کارخانه ذوب‌آهن اهمیت دارد و بیشتر واردات و صادرات و معاملات بازرگانی پاکستان از بندر بزرگ کراچی (پرجمعیت‌ترین شهر پاکستان) انجام می‌گیرد. پس از کراچی و حیدرآباد، شهرهای سکر، لارکانه، میرپور خاص و نواب‌شاه از درجه اهمیت برخوردارند.

مردم سند، به زبان سندی تکلم می‌کنند که قدیمترین زبان دره سند و از زبانهای زندهٔ شبه قاره است. الفبای آن مشتمل بر ۵۲ حرف و خط آن مشابه خط نسخ عربی و اعداد آن، فارسی است و شاید بهترین شاهکاری که در این زبان تجلی کرده و از تعالیم مثنوی مولوی و آیات قرآن سرچشمه گرفته، آثار شاه عبداللطیف بهتایی به نام «شاه جورسالو» باشد.^۱ زبانهای

۱. دانشوران سند، متصوفین و روحانیون ایرانی را همواره پیشوای خود دانسته و شخصیتهایی نظیر بایزید بسطامی، عطار نیشابوری، مولوی معنوی و سعدی و جامی را مورد احترام و تمجید فراوان قرار می‌داده‌اند و شعرا در تمام انواع شعر از آنان پیروی کرده‌اند و نویسندگان در پیروی از بزرگان ادب ایران، داستان‌نویسی را هم در زبان سندی رواج دادند و قصه‌های حاتم طایی، لیلی و مجنون، شیرین و فرهاد، چهار درویش، امیرحمزه و گل بکاولی و جز آن را از فارسی به سندی ترجمه کردند و کوشیدند که نظم فارسی را به نظم سندی و نثر را در نثر سندی درآوردند و به واسطهٔ حظ وافر که از زبان فارسی می‌بردند در خدمت این زبان به کمال، اهتمام کردند. بجز نظم و نثر، صرف و نحو زبان سندی نیز تحت تأثیر فارسی قرار گرفت و بیش از ۲۵٪ واژه‌های فارسی، وارد این زبان شد. همچنانکه در فارسی برای جمع «ان» استفاده می‌شود در سندی هم «

سرائیکی و بلوچی نیز از قرن‌ها پیش در این منطقه رواج دارد. اردو زبان ملی پاکستان نیز در میان مردم رایج است و زبان انگلیسی زبان رسمی و متداول ادارات است.

پیش از سلطه انگلیسی‌ها بر این سرزمین، قرن‌ها، زبان فارسی، زبان رسمی و متداول ادارات و وسیلهٔ تکلم عموم مردم بوده است که با درهم پیچیده شدن طومار سلطنت مسلمانان فارسی زبان، این زبان نیز از رونق افتاده و در فراموشی قرار گرفته است.

مردم سند، وارث فرهنگ موهنجودرو بوده و در ادوار بعد، تحت نفوذ بودایی‌ها و پس از آن تحت تأثیر فرهنگ برهمنها و ایرانی‌ها و اعراب قرار گرفتند. نفوذ فرهنگی و مدنی عمده‌ای که در این سرزمین راه یافته، نفوذ عظیم اسلام است که قریب یک‌هزار سال، فرهنگ و آداب و رسوم مردم را تحت تأثیر خود نگه داشته است. سیاستمداران معروفی مانند محمدعلی جناح، سر عبدالله هارون، سر شاهنواز و ذوالفقار علی بوتو اهل این استان بودند. مزار عرفای نامی: شاد عبداللطیف بهتایی در بهت شاد و لعل شهباز قلندر در سهون و سچل سرمست در درازا از زیارتگاه‌های مهم این منطقه است.

پس از تشکیل پاکستان، مسلمانان سایر مناطق شبه قاره که بیشتر اردو زبانند به پاکستان هجرت کردند و بیشتر آنها در شهرهای سند سکونت گزیدند. در حال حاضر، کمتر از نیمی از جمعیت را شهرنشینان مهاجر تشکیل می‌دهند. کراچی، حیدرآباد، میرپور خاص، نواب شاد و سکهر از

«ان» را در آخر کلمات مفرد ملحق می‌کنند برای مثال، جمع سجن (دوست)، سجنان و زال (زن)، زالان می‌شود. بعضی عبارات و کلمات فارسی نیز عیناً در زبان سندى بکار برده می‌شوند.

شهرهای مهاجرنشین محسوب می‌شوند. چنانکه پیش از این اشاره کردیم مهاجران با مردم اصلی همگون شده‌اند و احساس می‌کنند از سهمی که باید در قدرت و حکومت داشته باشند محروم مانده‌اند و به همین جهت گاه تنازعاتی بین آنان و حکومت رخ می‌دهد. رود سند تنها منشأ آبیاری استان است. کانالهای متعدد آن باعث آبیاری زمینها می‌شود. پنبه، گندم، انبه، موز، برنج و سبزیجات از محصولات عمده و اُجَرک نوعی چادر سندی که با دست طراحی شده مهمترین تولید صنایع دستی این ایالت است. بعضی از هنرهای سندی از قبیل کاشیکاری و نقاشی متأثر از هنر ایران است.